

A Study of the Methodological Framework of Political Kalām with an Emphasis on the View of Āyatollāh Khāmene’i

Seyed Samad Mousavi¹, Mohsen Mohajernia², Mohammad Hossein Malekzadeh³

¹ Assistant professor, Seminary teacher training center; A member of the political studies association of the domain, Qom, Iran (**Corresponding author**). sabasmh@gmail.com

² Assistant Professor, Research Institute of Islamic Culture and Thought; and a member of the political studies association of the domain, Qom, Iran. mohajernia@gmail.com

³ Levels of four fields, Qom seminary, Qom, Iran. mhmalekzadeh@gmail.com

Abstract

The Ijtihādi method which infers propositions of political Kalām from the texts and their references relies on the hypothesis that political Kalām as a branch in the science of Kalām, despite its various methods in interpretation and defense, lacks a methodological structure in production and inference of basic theories and issues. This fact has prevented the improvement of this science and its related subcategories like political Kalām. The idea of Āyatollāh Khāmene’i for the development of jurisprudential Ijtihad method to activate and update the science of Kalām proposed the hypothesis that the way for epistemological development of political Kalām, in accordance with the current questions, concerns, and doubts, is to renovate the inference method from the *Qur’an*. The best model experience in this method is the methodological knowledge of the existent jurisprudential principles along with the science of Fiqh. To substantiate this idea, an exploratory method similar to inquisition from texts was used. Through this method and some stages including gathering, manifestation, inference from appearances, and inquisition from the text, relevant concepts of basic inference are redefined and the science of principles as a review method presented a model entitled “inferential method”. By the renovation and rearrangement of relevant structures in the science of principles, the stages of inferencing propositions of political Kalām from the *Qur’an* were investigated in a procedural form. Conducting this method in a procedural and logical order determines the starting and ending direction of the Islamic final view in comprehensive thinking about political and theological issues.

Keywords: Science of Kalām, Political Kalām, Ijtihādi (Inferential) Method, Principles of Jurisprudence, Āyatollāh Khāmene’i, *Qur’an*.

Received: 2022-07-11 ; Received in revised form: 2022-12-11 ; Accepted: 2023-01-14 ; Published online: 2022-12-22

DOI: 10.22034/sm.2023.550543.1852

© the authors

http://sm.psas.ir/

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



خوانش دستگاه روش‌شناختی کلام سیاسی با تاکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

سید صمد موسوی^۱، محسن مهاجرنیا^۲، محمدحسین ملک‌زاده^۳

^۱ استادیار، مرکز تربیت معلم حوزه‌های علمیه؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران (نویسنده مسئول).
sabasmh@gmail.com

^۲ استادیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. mohajernia@gmail.com

^۳ سطح چهار حوزه، حوزه علمیه قم، قم، ایران. mhmalekzadeh@gmail.com

چکیده

روش اجتهادی در استنباط گزاره‌های کلام سیاسی از متون و منابع آن، بر این فرض استوار است که کلام سیاسی به تبع علم کلام، به رغم بهره‌گیری از تکرر روشی در دو بخش تبیین و دفاع، در بخش تولید و استنباط نظریات و مسائل اساسی خود از فقدان دستگاه روشی مستقل رنج می‌برد و همین امر سبب توسعه‌نیافتگی علم کلام و دانش‌های هم‌پیوند با آن از جمله کلام سیاسی شده است. ایده آیت‌الله خامنه‌ای در توسعه روش اجتهاد فقهی برای فعال‌سازی و بروزرسانی و پویایی علم کلام، متناسب با سؤالات، دغدغه‌ها و شبهات امروز، این فرضیه را به وجود آورد که راه توسعه معرفتی کلام سیاسی، بازسازی روش استنباط از قرآن است و بهترین الگوی تجربه شده در این روش، دانش متدولوژیک اصول فقه موجود در کنار علم فقه است. برای تحقق این ایده از روش اکتشافی که از سنخ روش استنتاج از متن می‌باشد، استفاده شد که با طی مراحل استجماع، استظهار، استنباط از ظهورات و استنتاج از متن، مفاهیم مرتبط با استنباط اصولی بازتعریف گردید و علم اصول به‌منابه روش خوانش و اقدام به ارائه الگویی با عنوان «روش اجتهادی» شد. با بازسازی و ساماندهی مجدد ساختار بخش‌های مرتبط علم اصول، مراحل استنباط گزاره‌های کلام سیاسی از منبع قرآن به شکل یک فرایند بررسی گردید. استنباط گزاره‌های کلام سیاسی از منبع قرآن به شکل یک فرایند و ترتیب منطقی، مشخص می‌کند که جهت رسیدن نظر و دیدگاه نهایی اسلام در سامانه تقفه جامع در مسائل اعتقادی سیاسی از کجا شروع شده و در کجا پایان می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: علم کلام، کلام سیاسی، روش اجتهادی، اصول فقه، آیت‌الله خامنه‌ای، قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2023.550543.1852

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

کلام سیاسی یکی از زیرشاخه‌های معرفتی علم کلام است، که درباره اراده، فعل و جعل الهی در حیات سیاسی بحث می‌کند. خاستگاه شکل‌گیری اولیه این دانش در مجموعه علوم اسلامی را می‌توان ناشی از بحران تلخ خلافت بعد از رسول‌الله در جامعه اسلامی دانست. در وضعی که آموزه‌های سیاسی دینی، به‌رغم بحث و پیگیری آن‌ها در مجموعه‌های پراکنده و در موضوعات خاص، هنوز در یک رشته مطالعاتی منظم و روشمند فراهم نشده‌اند و مباحث مستحدثه و جدید نیز بر این اساس، مورد مذاقه و بحث قرار نگرفته‌اند، طبیعی است که اولویت در وضعیت کنونی، فعال‌سازی حوزه روش مطالعات باشد. انگیزه ورود به مقوله روش‌شناسی در کلام سیاسی در این نوشتار، معطوف به ایده‌ای است که آیت‌الله خامنه‌ای بر ایجاد دستگاه اجتهادی و فقاهتی مطرح نمودند. در این دانش به بیان رهبری، اصرار بر آن است که «فقاہت مخصوص احکام فقهی رایج نیست، اعتقادات هم باید با شیوه فقها فهمیده شود» (ایزدهی، ۱۳۹۶: ص ۲۰، به نقل از: مقام معظم رهبری، ۱۳۶۷/۱۱/۱۴). از منظر ایشان «استنباط از متون اسلامی جز با متد فقاہت امکان‌پذیر نیست. فقاہت یک متد است؛ یک شیوه است؛ یک روش است... حرف سر نحوه استنباط کردن است؛ شیوه فهمیدن است. یک شیوه‌ای وجود دارد که متکی است به مدارک اسلامی، منابع دینی؛ روشی که ائمه به ما یاد دادند و علما آن را تمدید کردند، اسم آن روش فقاہت است» (مهاجرنیا، ۱۴۰۰: ص ۳۵، به نقل از: مقام معظم رهبری، ۱۳۶۴/۰۱/۰۲) و «بدون فقاہت، اسلام را نمی‌شود فهمید، نه فروعش را و نه اصولش را» (مهاجرنیا، ۱۴۰۰: ص ۳۵، به نقل از: مقام معظم رهبری، ۱۳۶۴/۰۹/۰۷).

روشن است که مقصود ایشان تمرکز تخصصی بر این است تا هم بخش تولید گزاره‌ها، مسائل و نظریه‌های کلامی فعال شود و هم در بخش تبیینی و دفاعی، مسائل قاعده‌مند، منضبط و روشمند گردد.

رویکرد این نوشتار بر پایه این پیش‌فرض استوار است، که دانش کلام به دلایل مختلف دچار آسیب‌هایی در بخش استنباط، تبیین، دفاع و پاسخ‌گویی شده است و مهم‌ترین فرضیه نوشتار این است که توسعه‌نیافتگی کلام و کلام سیاسی، ناشی از آشفتگی و بحران در حوزه تولیدی و استنباط گزاره‌ها و نظریه‌های کلامی است. راهکار خروج از این بحران، براساس ایده آیت‌الله خامنه‌ای، پذیرش سبک مرجعیت روش اجتهاد در این عرصه است. پیشینه تحقیق نشان‌دهنده دغدغه‌مندی این موضوع برای برخی از محققان است. تدوین آثاری چون، «روش‌شناسی علم کلام روش استنباط از متون دینی» نوشته رضا برنجکار، کتاب «روش‌شناسی علم کلام» اثر سیدمحمدحسین علوی، مقاله «روش‌شناسی کلام سیاسی» و «کلام سیاسی در اندیشه مقام معظم

رهبری» اثر غلامرضا بهروزلک و کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای اثر محسن مهاجرنیا، همه تأییدی بر این دغدغه‌مندی است.

۲. مفاهیم تحقیق

۲-۱. کلام سیاسی

علم کلام در یک دسته‌بندی، شامل چهار دسته مباحث است؛ یکی امور عامه و دوم، کلام محض یعنی الهیات که خود، دو گونه مضاف دارد، یکی کلام اخلاقی و دیگری کلام سیاسی (جبرئیلی، ۱۳۹۱: ص ۳۷). کلام مضاف به سیاست در دو قالب وصفی «کلام سیاسی» و اضافی «کلام سیاست» وارد شده است. «کلام سیاست» رویکرد معرفتی‌ای است که از پایگاه کلام به سیاست می‌نگرد و سیاست را به عنوان موضوع کلام از چیستی، چرایی، مبادی و مبانی آن با روش عقلی و نقلی مورد کنکاش قرار می‌دهد. در ترکیب اضافی موضوع مطالعه، مسئله کلامی است، نه مسئله سیاسی. متکلم درصدد فهم مستقیم قدرت، سیاست، حکومت و تدبیر برای زندگی و تصمیم‌گیری و ارائه راه‌حل برای زندگی سیاسی نیست؛ بلکه با نگاه درجه دوم، درصدد کشف بنیادهای اعتقادی و تبیین مبانی اسلامی سیاست موجود است. موضوع «کلام سیاست» در ساخت مضاف، می‌تواند «علم سیاست» یا «امر سیاسی» باشد. در حالی که کلام سیاسی در ساخت وصفی، دانشی است که مستقیماً آموزه‌های اعتقادی مرتبط با تدبیر زندگی سیاسی انسان‌ها که از عقل یا نقل دریافت شده را بررسی می‌کند و از نقش ربوبی خداوند، وحی و آموزه‌های وحیانی، باورهای ایمانی در هدایت، تربیت، تدبیر و رهبری انسان‌ها در مناسبات اجتماعی، بحث می‌نماید (مهاجرنیا، ۱۴۰۰: ص ۱۲).

بنابراین، کلام سیاسی دانشی است که به تبع علم کلام، به بیان آراء و اندیشه اعتقادی و الهی مسلمانان می‌پردازد. با این تفاوت که به حوزه خاص سیاست و رویکرد سیاسی دین به زندگی اجتماعی، تمرکز دارد. همان‌طوری که الهیات سیاسی مسیحیت که قرابت معرفتی نزدیکی با کلام سیاسی دارد، به «تعلیمات سیاسی ناشی از وحی الهی» تعریف شده است (اشتراوس، ۱۳۷۳: ص ۳-۶). برخی از محققان، کلام سیاسی اسلامی را به دانشی اطلاق نموده‌اند که به توضیح و تبیین آموزه‌های وحیانی و دیدگاه‌های دین در باب مسائل و امور سیاسی می‌پردازد و جهت‌گیری‌های اعتقادی و ایدئولوژیک مبتنی بر آن را در حیات اجتماعی، تبیین می‌کند و در قبال دیدگاه‌ها و آموزه‌های رقیب از آن‌ها دفاع می‌نماید (بهروزلک، ۱۳۸۲). برخی نیز بر اساس روش استنتاجی و از طریق مقارنه‌سازی میان فلسفه سیاسی و کلام سیاسی نوشته‌اند؛ اگر پرسش‌های مربوط به فلسفه سیاسی که با روش انتزاعی و عقلی پاسخ داده می‌شوند، از طریق وحی الهی و متون دینی پاسخ داده

شوند، کلام سیاسی تحقق می‌یابد (خسروپناه، ۱۳۸۲: ص ۵۰۴).

۲-۲. روش (منهج)

روش به معنای شیوه، طریقه و راه، نحوه عمل، قاعده و سبک آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۸، ص ۱۲۳۷۸) و مقصود در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است (کازمی، ۱۳۷۴: ص ۲۹-۲۸). در اصطلاح عبارت است از: فرایند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت. در معنای کلی‌تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است؛ لذا، روش علوم، یعنی آن شیوه‌ای که به وسیله آن می‌توانیم صدق یک گزاره را در علمی خاص بسنجیم (عبودیت، ۱۳۸۹: ص ۲۹). در اصطلاح معاصر، روش به تکاپوی اندیشیده و سازمان‌یافته برای دستیابی به دانش، راه رسیدن به حقیقت و هنر و ایجاد توالی بین اندیشه‌ها به منظور کشف حقیقت است (بیرو، ۱۳۸۰: ص ۲۲). در عام‌ترین تعریف، روش به معنای فرایند منطقی و عقلانی برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت است و ابزار مناسب فنون، مهارت‌ها و قواعد منطقی برای رسیدن به مقصود و مجهول است (ساروخانی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲۴).

۲-۳. روش اجتهادی

اجتهاد به معنای جَهد؛ سختی، رنج، زحمت، مشقت، دشواری و تَعَب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ماده جهد) و جُهد، به معنای توان، نیرو، طاقت و وسع آمده است: «و الذین لایجدون إلا جُهدهم» (توبه: ۷۹)، در این آیه جهد به معنای توانایی آمده است.

اصولپون هم لغت اجتهاد را به معنای تحمل المشقه دانسته‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ص ۴۶۳). شهید صدر می‌گوید: «الاجتهاد فی اللغه مأخوذ من الجهد، و هو بذل الوسع للقیام بعمل ما» (صدر، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ص ۵۲). روش اجتهادی، شیوه عمل و کارکرد سیستم و دستگاه استدلال‌ورزی شرعی و روشمند برای فهم «ما أنزل الله» و دستیابی به دیدگاه اسلام و نظریه‌پردازی اسلامی در ساحات مختلف است. به عبارت دیگر، «روش اجتهاد دینی، عبارت است از: پژوهش، سنجش، استدلال و اکتشاف گزاره‌های دینی بر مبنای دو منبع کتاب (قرآن) و سنت، و با بکارگیری چهار دلیل: کتاب، سنت، عقل و اجماع» (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۹: ص ۱۸۶).

روش اجتهاد، روشی مشروع برای انتظام بخشیدن و تدبیر فرایندهای استنباط و عملیات استنتاج آراء شارع

مقدس است. بنابراین، روش اجتهادی برای تقفه در دین و فهم عمیق و دقیق آن و کشف، تبیین و معرفی دیدگاه پروردگار هستی در ساحت‌های گوناگون است. همچنین، ابزاری معتبر جهت اسلام‌شناسی و وسیله‌ای منحصر به فرد برای پاسخگویی ریشه‌ای به پرسش‌ها، شبهات و اشکالات، ابطال عالمانه اسلام‌شناسی‌های بدلی و تقلبی، بر ماساختن حکیمانه نیرنگ و فریب اسلام‌سرای‌های التقاطی و مزورانه‌ای که به نام اسلام‌شناسی حقیقی و متناسب با عصر جدید است (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ص ۲۴-۲۶).

۳. چارچوب نظری و روش تحقیق

این تحقیق، براساس روش اکتشافی است، که از سنخ روش استنتاج از متن است و با بازشناسی و بازسازی مجموعه متون نگارش شده در باب روش‌های مختلف کلام سیاسی و بهره‌گیری از روش اصول فقه، محتوای حاصل از آن‌ها را به سخن می‌آورد، تا روش منقح و دقیقی از آن‌ها فهمیده شود. روش استنتاج، از سنخ روش‌های معناکاو و هرمنوتیکی جامع‌نگر است، که به متن، زمینه‌ها و قصد اندیشمند توجه دارد. در پژوهش حاضر، برای فهم و تحقیق در استنباط گزاره‌های کلام سیاسی، با «استظهار از متن و استنباط از ظهورات متن و استنتاج از محتوا»، ابتدا اصالت اندیشه، با استظهار از متن و استنباط از ظهورات تحصیل می‌گردد. سپس با علم به اینکه، اندیشه حاصل از آن، دو مرحله خصلتی بنیادگرایانه در گریز از زمینه و زمانه دارد، مرحله «استنتاج از محتوا» وارد عملیات فهم و تحقیق می‌شود تا پرسش‌های زمینه‌ای و زمانه‌ای را از محتوای مستخرج از متن مطالبه کند و فارغ از ظرفیت‌های متن، قصد اندیشمند را در دیدگاه نهایی خویش، دریافت می‌نماید. این روش شامل چهار مرحله استجماع متون، استظهار از متن، استنباط از ظهورات متن و استنتاج از متن بازسازی شده است. لذا تحقیق حاضر دارای مراحل ذیل است:

مرحله اول: موضوع‌شناسی و تحلیل ادبیات آن؛

مرحله دوم: ارزیابی روش‌های موجود در استنباط گزاره‌های اعتقادی؛

مرحله سوم: بازخوانی و بازسازی روش اجتهادی در استنباط در کلام سیاسی از منبع قرآن؛

مرحله چهارم: استنتاج و بهره‌گیری از روش اجتهادی و خوانش علم اصول در ساحت کلام سیاسی.

۴. علم اصول به مثابه روش

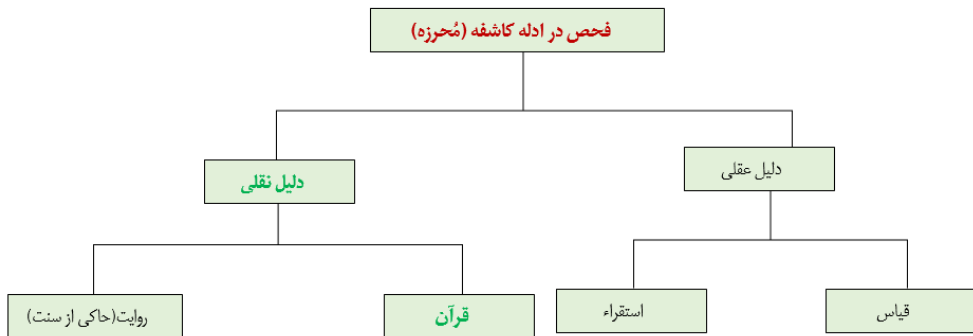
علم اصول از علوم متولد شده در فرهنگ اسلامی و رشدیافته در دامن علم فقه و روش‌شناسی تقفه، منطق فقهات و استدلال‌ورزی دینی و شیوه‌نامه کشف دین و فهم متون مقدس اسلامی است. علم اصول، یک علم

نهادی، ابزاری، مقدمی و خادم است و غایت آن، الاقتدار علی الاستنباط یعنی توانایی بر استنباط است. این دانش با افزودن برخی مسائل یا مباحث و پرداختن بیشتر به برخی از موضوعات موجود در آن، نه تنها اصول الفقه بالمعنی الاخص، یعنی علم اصول الشریعه را بررسی می‌کند؛ بلکه می‌تواند به عنوان اصول استنباط و اجتهاد در عموم بخش‌های فقه دین، به معنای اعم به کار آید و به مثابه اصول اجتهاد در تفقه جامع بازتعریف گردد.

۴-۱. ساختار علم اصول

با مراجعه به منابع علم اصول در جمع‌بندی کلی مباحث و موضوعات مهم و اصلی می‌توان علم اصول الاستنباط و منهج الاجتهاد را در چارچوب سه بخش عظیم عرضه نمود:

ادله کاشفه (ادله مُحَرَّزه): منظور از آن دلایلی است، که نظر به واقع دارند و به آشکارسازی، کشف و احراز حقیقت دین می‌پردازند. به بیان دیگر، دین، صراط و راه، و سراج و چراغ ادله کاشفه هستند. ادله کاشفه (مُحرَّزه) به دو قسمت تقسیم می‌شوند: ادله نقلی - ادله عقلی.



نمودار ۱- ادله کاشفه (ادله مُحَرَّزه) در علم اصول

ادله عملیه (اصول عملیه): اصول عملیه، به معنای قواعدی است که در موارد بروز شک در تعیین حکم شرعی، وظیفه عملی مکلف را پس از آن که به دلیل و اماره‌ای (اماره) دست نیافت، روشن می‌کند (مظفر، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۲۳۴؛ صدر، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ص ۱۹-۲۲؛ طباطبائی حکیم، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۷).

۴-۲. تنافی میان حجج (التعادل و التراجیح یا تعارض الأدله و الأمارات)

اگر در مقام بیان حکم مسئله‌ای، دو خبر با هم تعارض داشته باشند؛ به گونه‌ای که جمع بین آن دو ممکن

نباشد و مکلف ناگزیر از عمل به یکی از آن دو باشد، در روایات، راه‌هایی برای حل تعارض ذکر شده است. از این روایات به اخبار علاجیه تعبیر شده و در اصول فقه، مبحث تعادل و ترجیح، از آن‌ها سخن رفته است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۲۹۷).

۴-۳. خوانش علم اصول در ساحت کلام سیاسی

ساختار عظیم علم اصول الاستنباط و منهج الاجتهاد به گونه‌ای طراحی شده تا بتواند عموم قواعد کلی که در فرایندهای استنباط و اجتهاد در فقه دین به معنای اعم به کار می‌آیند را پوشش دهد. اما اگر قرار باشد از آن فقط در یک حوزه از حوزه‌های معرفتی در گستره وسیع فقه دین مورد استفاده قرار گیرد، ضروری است، که به فراخور اقتضانات و ضرورت‌های روشی در آن حوزه که ناشی از مسائل و منابع در آن است، دست به بازطراحی علم اصول، ناظر به نیاز اجتهادی آن حوزه زده شود. بر این اساس، در تفقه جامع برای اجتهاد کلامی و متناسب با منابع، طرق و مباحثی که در علم کلام سیاسی وجود دارند، بازآرایی شده و ساماندهی مجدد ساختار علم اصول، صورت گرفته است.

آنچه در عرصه عقائد و به تبع آن در علم کلام سیاسی مهم می‌نماید، تنها دستیابی به واقع و رسیدن به مطلوب است. پس فقط ادله‌ای در استنباط و اجتهاد کلامی مورد استفاده هستند که به واقع نظر داشته و به دنبال یافتن و احراز نفس الامر در موضوعات سیاسی باشند. این ادله را همان‌گونه که در بخش معرفی ساختار کلان علم اصول هم بیان شد، «ادله کاشفه» یا «ادله محرزه» می‌نامند. بررسی این گروه از ادله، تشکیل‌دهنده بخش ابتدایی و نخست از سه بخش اصلی در علم اصول جامع یا دانش اصول الاستنباط و منهج الاجتهاد است.

شایان توجه است، از آنجا که هدف و رسالت نوشتار حاضر، بازسازی روش اجتهادی گزاره‌های کلام سیاسی از منبع قرآن است؛ لذا ادله عقلی و مباحث مربوط به سنت و روایات بررسی نشده و منحصراً ادله کاشفه مُحرزه نقلی از منبع قرآن در کلام سیاسی بازسازی شده است؛ که این موضوع خود، الگویی مناسب برای بقیه ادله به خصوص روایات و سنت خواهد بود.

«ادله عملیه» یا «اصول عملیه» که در مقابل ادله کاشفه و محرزه قرار دارند و شارع مقدس، از باب سالبه ناشی از انتفاء موضوع، در جعل حجیت برای آن‌ها، اکثراً و نه منحصراً، در فقه الشریعه و برای تعیین وظیفه عملی مکلف در هنگام تحجیر در مقام عمل و نه در مسائل نظری مانند اعتقادات و قضایای کلامی، از آنها استفاده می‌کند. بنابراین، بدیهی است که تنها در استنباط و اجتهاد کلامی بهره و کاربردی ندارند؛ بلکه در

جایگاه بازآرایی و بازطراحی ساختار علم اصول، فراخور به نیازهای اجتهاد کلام سیاسی قرآن‌محور که منبع مشخص و قطعی دارند، اصول عملیه مرتبه و جایگاهی نداشته و حذف گردیده‌اند.

۵. ساختار کلام سیاسی قرآن‌محور

ساختار کلام سیاسی قرآن‌محور شامل سه بخش اساسی است که شامل الفاظ، حجیت ظواهر کتاب و تعارض الأدلّه می‌شود:

الف. الفاظ

حجم وسیعی از مباحث علم اصول مختص به بخش الفاظ است که از مباحث تحلیلی-اعتباری این علم می‌شود. مبحث ظهور الفاظ، متأثر از مقوله وضع الفاظ است، که آن نیز از اعتبارات عقلا است. شیوه استنباط از قرآن و حدیث بر پایه مراد شارع از الفاظ قرآن و حدیث، استوار است. در پرتو طرح مباحث الفاظ است که شیوه استدلال متون دینی تبیین می‌گردد و مباحثی مانند مفاهیم، عام و خاص و مطلق و مقید، در این قسمت طرح و بررسی می‌شوند.

● **اوامر و نواهی:** در قرآن آمده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ» (نساء: ۵۹). «اطیعوا» فعل امر است؛ ولی در استنباط گزاره‌های کلام سیاسی از این آیه، یک گزاره خبری استخراج می‌شود. بدین مفهوم که پیامبر واجب اطاعت است و چون حاکم است، لزوم اطاعت و شأن حکمرانی و حاکمیت را از طریق فعل امر اطیعوا برای پیامبر ثابت می‌شود. در آیه‌ای دیگر خطاب به مؤمنین آمده است: «یا أیها الذّین آمنوا لا تتخذوا الکفارین أولیاء من دون المؤمنین» (نساء: ۱۴۴)؛ یا «ولا تَركنوا إلی الذّین ظلّموا فتمسککم التّار و ما لکم من دون الله من أولیاء ثمّ لا تُنصرون» (هود: ۱۱۳)؛ که هر دوی این آیات، نفی حکومت طاغوت است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیان این آیه می‌فرماید: «رکون» یعنی میل پیدا کردن و گرایش پیدا کردن و اعتماد به او کردن، پس مفهوم کلی آن است، که به آدم ظالم اعتماد نکنید (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۲/۰۶).

● **عام و خاص:** یکی از مباحث علم اصول در باب الفاظ، مبحث «عام و خاص» است و در کلام سیاسی قرآن‌محور، این مبحث جایگاهی بسیار مهم دارد و در بسیاری از موارد، آیات عام و خاص در مسائل کلام سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در استنباط گزاره‌های کلام سیاسی از آیات قرآن پس از مطالعه آیات مشابه و هم‌افق، که یکی عام و دیگری مخصص است، یک گزاره استنباط می‌شود: به عنوان مثال: «إِنَّ اللَّهَ لَا یظلمُ النَّاسَ شیئاً» (یونس: ۴۴) یا «وَ لِلَّهِ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ» (آل عمران: ۱۸۹) که

کلمه کل بر عمومیت قدرت خدا بر همه چیز دلالت دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر آیه ۴۸ سوره نور که می‌فرماید: «وَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ» بیان می‌کنند که «آیه به حسب ظاهر درباره قضاوت است، تعبیر حکومت در قرآن، غالباً - نمی‌گویم همیشه - به معنای قضاوت کردن است، همان چیزی که ما داوری و قضاوت به آن می‌گوییم؛ اما مضمون مفاد آیه عام است. چنین نیست که این درباره کسانی است که تن به قضاوت پیغمبر فقط نمی‌دهند، نه؛ آن کسانی که تن به فرمان پیغمبر در غیر موارد قضاوت هم نمی‌دهند، مشمول آیه‌اند و این روشن است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲: ص ۱۰۰).

● **مطلق و مقید:** یکی از مباحث مهم و کاربردی در کلام سیاسی، استفاده از اطلاق و تقید کلام الله است. اخذ اطلاق آیات در کلام سیاسی کاربرد زیادی دارد و در بسیاری از اصول و قواعد کلام سیاسی از این قاعده استفاده شده است، که به برخی از موارد اشاره می‌شود: «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ» (فاطر: ۱۳). در آیه و آیات مشابه، به طور مطلق «ملک» که در استعمال قرآن به معنای حکومت و اداره امور است، از آن خدا دانسته شده است.

«بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ» (نساء: ۵۹). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه بیان می‌کند، که در این آیه، اطلاق کلمه «اطیعوا» بر وجوب اطاعت اولی الامر بر مردم است چراکه در خود آیه و در هیچ آیه دیگر قرآنی، چیزی که این وجوب را مقید به قید، و مشروط به شرطی کند، وجود ندارد؛ در اصل، آیه شریفه از هر قیدی مطلق است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۳۹۱) و لازمه مطلق بودن این آیه، خود عصمت را نیز ثابت می‌کند؛ چراکه خداوند در این آیه، به اطاعت مطلق از اولی الامر دستور داده است. هرگاه خداوند به اطاعت بی‌قید و شرط از کسی فرمان دهد، آن فرد، معصوم خواهد بود؛ چون اگر معصوم نباشد و دستور به انجام دادن گناه بدهد، اجتماع نقیضین لازم می‌آید؛ یعنی هم باید از او اطاعت کرد (بنابر فرمانی که خداوند داده) و هم اطاعت نکرد (بنابر اینکه انسان نباید گناه کند) (مظفر، بی تا: ج ۲، ص ۱۷).

«إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵). این آیه به صراحت تأکید می‌کند که ولایت خدا و رسول او و آنان که ایمان آورده‌اند [گروه خاصی از مؤمنین]، ولایت مطلق است و محدود به هیچ مجال و موضوعی نیست. آیت‌الله خامنه‌ای در بازگو کردن واقعه غدیر و نقل حدیث شریف می‌فرماید، هر معنایی که ولایت در مورد پیغمبر دارد، همان معنا در مورد امیرالمؤمنین با این نصب پیغمبر و معرفی پیغمبر، محقق است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۰۴).

از سوی دیگر، اطلاق «الَّذِينَ آمَنُوا» که به واسطه جمله «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» مقید شده است، اشاره به علی (ع) دارد؛ چراکه فقط آن حضرت در هنگام نماز و در حال رکوع انگشتر خود را به فقیر بخشید (فاضل مقداد و صفری، ۱۴۱۲ق: ص ۹۰؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ص ۲۱). بنابراین، مشخص می‌شود، این آیه نص در امامت آن حضرت است.

مقام معظم رهبری با استناد آیاتی از جمله این آیه و اختصاص آن به امام علی می‌فرماید: آیه «اتِّمُوا وَلِيَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» درباره امیرالمؤمنین (ع) است که همه آن را تأیید کرده‌اند. این معیارها- معیارهای متعددی که در اسلام، معیار برگزیدگی است- معیار برتری است. معیارهای علم، تقوا، انفاق، ایثار، جهاد و بقیه معیارهایی که در اسلام وارد شده است، همه و همه، یکی یکی با امیرالمؤمنین (ع) تطبیق می‌کند. کیست که بتواند این چیزها را در علی بن ابی‌طالب (ع) انکار کند؟ (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۹/۱۵).

آیات مربوط به جهاد نیز از جمله آیات مطلق است، که به واسطه آیات دیگر، مقید شده‌اند؛ مثلاً آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه: ۷۳) و آیات مشابه آن؛ یا آیاتی که جنگیدن با دیگران را به قیودی از جمله اگر با شما وارد جنگ شوند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰)؛ یا اگر مورد ستم قرار گرفتید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)؛ حتی باعث ایجاد فتنه شوند: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (انفال: ۳۹)؛ تمام این‌گونه آیات، آیات مطلق هستند.

● **مفهوم و منطوق:** دلالت لفظ بر معنا، گاهی صریح است که به آن منطوق می‌گویند و گاهی غیرصریح است، که آن را مفهوم می‌نامند. «منطوق» یعنی مدلولی که مستقیماً از لفظ و کلام فهمیده می‌شود و «مفهوم» مدلولی است که در کلام نیست، ولی از کلام استنباط و فهمیده می‌شود. بعضی گفته‌اند: منطوق در علم اصول، مرادف با دلالت مطابقی و مفهوم مرادف با دلالت التزامی در منطق است (مظفر، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۱۰۷). به عنوان نمونه خداوند در آیه ۲۱۷ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا». مفهوم آیه این است که دشمنان و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۱۰۹). مفهوم دارای موارد گوناگونی از قبیل مفهوم شرط، مفهوم وصف، مفهوم غایت، مفهوم حصر، مفهوم عدد و مفهوم لقب است.

● **مجمعل و مبین:** از جمله مباحثی که در علم اصول و آن هم در بخش الفاظ از آن سخن به میان می‌آید،

مبحث مجمل و مبین است و در کلام سیاسی نیز کارایی بسیاری دارد. اجمال یعنی مشتبه و غیر واضح که در مقابل مبین یعنی روشن، واضح و معلوم است. لفظ دلالت‌کننده بر مراد متکلم به‌طور روشن در اصطلاح اصولی‌ها، مقابل مجمل است و به لفظی گفته می‌شود که دلالتش بر مراد متکلم، ذاتاً یا به کمک غیرروشن است؛ مانند: «إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» که دلالت الفاظ آن بر معانی خود، ذاتاً روشن می‌شود. نص و ظاهر از مصادیق مبین است. لفظ فاقد معنای روشن مجمل، در لغت، به معنای «جمع‌آوری شده» آمده و در اصطلاح، لفظی است که معنای آن روشن نبوده و میان دو یا چند احتمال مردد باشد، و معلوم نباشد مراد گوینده کدام یک از آنها است. «حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (بقره: ۷)؛ این آیه، مهر خوردن دل‌های کافران (و بسته شدن باب هدایت بر آنان) را به خداوند نسبت می‌دهد، که به قرینه آیه ۱۵۵ سوره نساء که فرمود: «بَلْ طَعَّ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا»، آن را ناشی از کفر خود آن‌ها شمرده و برطرف شده است. «وَمَنْ جَاهَدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ» (عنکبوت: ۶) این آیه نیز به جهاد مشترک لفظی یا معنوی که هم بر جهاد با نفس و مقاتله با دشمن دلالت دارد، مربوط می‌شود.

● **ناسخ و منسوخ:** ناسخ و منسوخ یا به معنی سپری شدن زمان حکم منسوخ و رسیدن زمان حکم ناسخ (عاملی، ۱۴۰۸ق: ص ۱۲۷)، یا به مفهوم جاری بودن موضوع منسوخ و مهیاء نبودن بستر ناسخ است (نقی‌پورفر، ۱۳۸۲: ص ۱۶۰). در اصطلاح دانشمندان اصول عبارت است از: برداشتن حکم شرعی سابق به وسیله دلیل شرعی دیگر، پس از به اتمام رسیدن مدّت آن و منتفی شدن مصلحت و ملاک در آن، به‌گونه‌ای که اگر ناسخ وجود نداشت، آن حکم همچنان به حال خود باقی می‌ماند (ولایی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۳۲۲). در کتاب «اصول الفقه» آمده است: هر دلیل قطعی و یقینی می‌تواند ناسخ قرآن باشد، اعم از آنکه آن ناسخ، خود قرآن باشد یا سنت و اجماع. اما دلیل ظنی نمی‌تواند ناسخ قرآن باشد. به همین دلیل در موقع شک، اصل عدم نسخ جاری می‌گردد (مظفر، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۵۷).

ب. حجت ظواهر کتاب

اولین حجت شرعی و اصلی‌ترین دلیل استوار دینی، قرآن شریف است. بسیار به چشم می‌خورد که در تعبیرات روایی و سخنان عالمان دینی از قرآن به کتاب یاد می‌شود. این تعبیر برگرفته از آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است؛ بنابراین، به هنگام شمارش ادله شرعی، کتاب نیز ذکر می‌شود. کتاب قرآن با الفاظ، معانی و اسلوب خاص خدایی‌اش، بدون تصرف پیامبر (ص) در آن‌ها، برای هدایت مردم تا آخرالزمان قرار داده شده و به تعبیر اصولیون، قطعی الصدور است. در علم اصول مباحث زیادی که

اختصاص به قرآن داشته باشد، نداریم. غالب مباحث مربوط به قرآن، مشترک میان کتاب و سنت است. تنها مبحث اختصاصی قرآن، مبحث حجیت ظواهر است.

ظاهر آیه «فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعِدَاةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مانده: ۱۴)، نشان از بروز عداوت در میان مسیحیان دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ص ۳۱۹-۳۲۰). به نظر می‌رسد در آیه شریفه «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (انبیا: ۱۰۶)، ضمیر «هذا» اشاره به وعده‌ای دارد، که در آیه قبل به بندگان صالح خود در مورد حکومت روی زمین، داده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۳، ص ۵۱۹). آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله: ۷-۸) می‌فرماید: «ظاهر آیه این است که این عمل تجسم پیدا می‌کند و انسان خود آن عمل را می‌بیند. عمده این است که این عمل می‌ماند؛ به فکر این ماندنی باشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۴/۲۳).

ج. تعارض ادلّه

تعارض بین ادلّه شرعیه، یکی از مباحث مهم اصولی است و کاربرد بسیاری در این علم و در کلام سیاسی دارد. در تعریف تعارض گفته شده که آن عبارت است از: بودن دو دلیل در وضعی که یکی از آنها اقتضای ثبوت امری را داشته باشد، در حالی که دیگری اقتضای انتفای آن را دارد، مشروط به آنکه هر دو اشاره به امری در محل واحد و زمان واحد داشته و در قوت مساوی باشند (مجددی، ۱۴۰۷ق: ص ۲۳۰).

در برخورد با ادلّه متعارض، عمل به قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» نزد اصولیان مشهور است (مظفر، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۲۲۷؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۱۲۱۰). مفاد قاعده آن است که تا حد امکان، جمع میان دو دلیل متعارض و عمل به هر دوی آنها، بهتر از کنار نهادن هر دو یا یکی از آنهاست. مراد از امکان جمع، جمعی عرفی است که خردمندان در محاورات خویش به کار می‌برند (انصاری، ۱۴۲۸ق: ج ۲، ص ۴۳۴؛ مظفر، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۲۲۹-۲۳۱).

تعارض به دو نوع محقق می‌شود، یکی تعارض بدوی، ابتدایی و ظاهری (غیر مستقر) که میان آیات با یکدیگر، با حدیث و با حکم قطعی عقل و علم است که این نوع تعارض با به کار بردن قواعد جمع عرفی رفع می‌شود (صدر، ۱۳۹۶ق: ص ۴۵). دیگری تعارض مستقر یا حقیقی، که هرگاه جمع ادلّه متعارض، حتی با به کار بردن قواعد جمع عرفی ممکن نباشد، تعارض حقیقی یا تعارض باطنی (مستقر) رخ می‌دهد (صدر، ۱۳۹۶ق: ص ۲۱۹). این نوع تعارض میان آیات محال است، ولی می‌تواند میان آیات با روایات، با حکم ظنی عقل و علم، مطرح باشد.

۶. روند حل مسئله کلام سیاسی قرآن محور

با توجه به بازسازی مسائل اصول در کلام سیاسی قرآن محور و با نظر گرفتن مبادی و مسائل آن، برای اجتهاد در علم کلام سیاسی و به انجام رساندن فرایند حل مسائل کلامی، مسیر و روندی منظم و دقیق طی می‌شود. در این راه، مجموعه گام‌ها و مراحل مرتب و مترتب در مسیر اجتهاد کلام سیاسی و متن روندنمای حل مسائل آن، از مرحله مواجهه متکلم با مسئله تا استنباط دیدگاه کلام سیاسی اسلام، در چارچوب اجتهاد صورت گرفته به وسیله آن را، با توجه به مبحث ولایت فقیه از نظر می‌گذرانیم.

در این الگوی پیشنهادی که برگرفته و مأخوذ و بازسازی روش اجتهاد در علم اصول است، مراحل استنباط گزاره‌های کلامی سیاسی از منبع قرآنی به شکل یک فرایند و ترتیب منطقی بررسی می‌شود. آنچه مشخص است، جهت رسیدن نظر و دیدگاه نهایی اسلام در موضوع کلام سیاسی، مراحل ذیل را باید پیمود و با این کار، مشخص خواهد شد، رسیدن به نظریه کلامی اسلام، از کجا شروع شده و در کجا پایان می‌یابد.

پیش از بررسی مراحل بازطراحی استنباط قرآنی، دو نکته یادآور می‌شود:

- ۱) مراحل فرایند پیشنهادی حصر عقلی نبوده و از طریق تحقیقات گسترده به دست آمده است؛
- ۲) از آن جهت که بارها در بخش‌های قبلی اشاره شده است، این نوشتار متمرکز بر قرآن کریم است، در نتیجه برای رسیدن به دیدگاه کلام سیاسی اسلام در میان آیات قرآن کریم به فحص و گفتگو خواهد پرداخت. لذا، مباحث غیر مرتبط مانند مباحث عقلی، روایت، اجماع و...، در حد ارتباط با آیات قرآنی استفاده شده و به گونه‌ای طراحی شده است، که نتیجه و دیدگاه اسلام در موضوع کلام سیاسی با پایه و منبع قرآن به دست آید.

مرحله اول: مواجهه با مسئله

در وهله نخست، متکلم سیاسی با مسئله و سؤال، یا یک شبهه مرتبط با کلام سیاسی مواجهه می‌شود؛ آنگاه با توجه به هدف و اولویت موضوع، آن را بررسی می‌کند و با توجه به مسائل پیرامونی آن، شروع به واکاوی مسئله می‌نماید.

مرحله دوم: بررسی شبهات درباره مسئله

در این مرحله در روش اجتهادی، بعد از روبرو شدن با مسئله، به بررسی شبهات مطرح در حول محور مسئله کلام سیاسی خود می‌پردازد و شبهه را به دو صورت ذیل واکاوی می‌کند:

الف) بررسی شبهه موضوعیه مفهومیه: این موضوع در جایی است که حکم کلی شرعی، میان یکی از

احکام پنج گانه مردد باشد (مشکینی، ۱۴۱۶ق: ص ۱۴۷). جهل به حکم کلی و به وجود آمدن شبهه حکمیه، یا نبود روایت معتبر، یا اجمال در روایت یا تعارض میان چندین روایت است (حیدری، ۱۴۱۲ق: ص ۲۵۲): که در کلام سیاسی قرآن محور، در جایی قابل تصور است که در مفهومی در آیات قرآنی نسبت به حکم آن، شبهه وجود داشته باشد و دلیل، یا محمل بودن آیه، یا تعارض در دو آیه قرآن، یا تعارض بین آیه یا روایت است و برای رفع آن می توان به اصول و قواعد کلامی رجوع کرد. به عنوان مثال در بحث ولایت فقیه در دهه های اخیر، شبهه وارد شده که آیا حکومت غیر معصوم (ع) در جامعه اسلامی جایز است یا خیر؟ که برخی بر جواز و حتی وجوب آن نظر دارند و برخی هم بر حرمت آن نظر داده اند.

ب) بررسی شبهه موضوعیه مصداقیه: که حکم وجوب یا حرمت یک عملی را می داند، ولی جهل به موضوع و مصداق دارد؛ به طور مثال در قرآن واژه ای مشخص است، ولی مصداق آن دارای شبهه است، که در این موارد نیز می توان به قواعد کلامی مراجعه کرد. در بحث ولایت فقیه، افرادی در اصل جواز و حتی وجوب حکومت ولایت فقیه و حاکمیت ولی فقیه اعتقاد دارند؛ ولی نسبت به مصداق و محدوده اختیارات، شبهه و سؤال مطرح می کنند. در این مرحله باید این شبهه، به صورت کامل بررسی شود.

مرحله سوم: مسئله پژوهی

گام بعدی در روند اجتهاد، مسئله پژوهی است که شامل مواد ذیل می شود:

الف) بررسی منصوص بودن مسئله: در این گام به بررسی مسئله در نصوص و آیات پرداخته می شود که آیا در آیات قرآنی نص و آیه مشخصی در این باره وجود دارد؟ به عنوان مثال در باب ولایت و ولایت فقیه با بررسی منابع مختلف درمی یابیم، بحث ولایت فقیه بیشتر توسط دلایل عقلی به اثبات رسیده است و برای اثبات آن توسط آیات قرآن کریم، کم تر استناد کرده اند. اما برخی محققین بر این باورند که شماری از آیات قرآن کریم بر ثبوت ولایت برای فقیه دلالت دارند و بیش از ده آیه را جهت اثبات آن به کار می گیرند، یا بعد ارائه دلیل عقلی از باب مؤید، آیات قرآن را ذکر کرده اند. از جمله علمایی که به آیات قرآن بعد از دلیل عقل استناد کرده اند، امام خمینی و شاگردان آن بزرگوار هستند. آیاتی وجود دارد که به صورت مشخص، نص در این مسئله هستند که از جمله این آیات می توان به آیات ۵۹، ۶۰ و ۸۳ سوره نساء، آیات ۲۴۶-۲۴۸ سوره بقره، آیه ۳۵ سوره یونس، آیه ۲۸ و ۱۱۸ سوره آل عمران، آیات ۵۴-۵۶ سوره یوسف، آیه ۲۵ سوره حدید و آیه ۳۶ سوره نحل اشاره کرد.

ب) بررسی تاریخچه و کتب علمای گذشته: در این گام، مبادرت به فحص و مطالعه در کتب و آثار علمای بزرگ، به خصوص علمای کلامی کرده و مسئله واکاوی می شود؛ به عنوان مثال در بحث ولایت فقیه، بررسی

نظرات از همان عصر حضور، توسط امامان معصوم (ع) و علمای عصر غیبت مطرح می‌گردد.

ج) تعیین سطح مسئله اعم از فردی، حکومتی یا اجتماعی بودن آن: در این بخش، به بررسی سطح مسئله پرداخته و موضوع با توجه به اینکه آیا مسئله فردی یا اجتماعی است، واکاوی می‌شود. سپس اگر مسئله، اجتماعی و در عرصه حکومت و سیاست باشد، مورد بررسی و استنباط در روند اجتهاد کلام سیاسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، بحث ولایت فقیه مسئله‌ای اجتماعی، سیاسی و کلامی است و در این روند قرار می‌گیرد؛ وجه سیاسی و اجتماعی بودن آن مشخص و مبرهن است، ولی در اینکه مسئله کلامی است یا خیر، در بین علما اختلاف است. برخی آن را مسئله‌ای فقهی دانسته‌اند، لذا اعتقاد دارند باید در فقه سیاسی مطرح شود؛ اما امام خمینی و علمای بسیاری همچون آیت‌الله جوادی آملی، ولایت فقیه را مربوط به دانش کلام می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۱۴۳). آیت‌الله خامنه‌ای نیز معتقد است، اصل ولایت فقیه و التزام عملی به آن، صبغه کلامی دارد، به طوری که اگر کسی منکر آن باشد، منکر ضرورت دین شده است (مقام معظم رهبری، ۱۴۱۴ق: ص ۲۴) و به صراحت می‌فرماید: «ولا نری الإلتزام بولایه الفقیه قابلاً للفصل عن الإلتزام بالإسلام و بولایه الأئمه المعصومین علیهم السلام؛ به نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین (ع) نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۱۱).

مرحله چهارم: بررسی موضوع با قواعد کلامی

در این مرحله به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که آیا مسئله انتخابی، مصداقی برای موضوع یکی از قواعد کلامی است که پیش‌تر اثبات شده‌اند؟ برخی قواعد کلامی عبارتند از: وجوب الوجود بالذات، حُسن و قبح عقلی، لطف، نظام احسن، وجوب اصلح، وجوب علی‌الله، حکمت، عدالت، قبح تکلیف به ما لایطاق، قبح تقدیم مفضول بر فاضل، وجوب دفع خطر و ضرر محتمل و

همچنین در این مرحله، ولایت فقیه از منظر زیربنای اصل نبوت و امامت بررسی شده و با توجه به استدلال بر ضرورت بعثت پیامبران و نصب امامان (ع) به قاعده لطف، می‌توان ولایت فقیه را با این قاعده بررسی کرد. در این مرحله در صورتی که قواعد کلامی در جهت پاسخ به سؤال و مسئله موجود بود، پس به واسطه آن، دیدگاه کلام سیاسی در اسلام مشخص و تبیین می‌شود و در صورتی که مسئله انتخابی، مصداقی برای موضوع یکی از قواعد کلامی که پیش‌تر اثبات شده‌اند، نباشد، وارد مرحله بعد می‌شویم.

مرحله پنجم: شروع فرایند اجتهاد کلامی

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی بیان شد، ادله محرزه شامل دلایل عقلی (قیاس و استقراء تام) و دلایل

نقلی شامل قرآن و روایت حاکی از سنت هستند. در روند استنباط کلام سیاسی قرآن محور نیز، منبع استدلال قرآن است که دلیل نقلی لفظی است.

الف) فحص در ادله کاشفه (محرزه): اکنون، بررسی مسئله با آیاتی که به نحو تفصیلی و به صراحت و نصوحیت بر دیدگاه کلامی مورد سؤال دلالت می‌کند؟ مورد تأمل قرار می‌گیرد؛ که در صورت مثبت بودن، پاسخ دیدگاه کلامی اسلام اثبات می‌شود. به عنوان مثال در اثبات ولایت فقیه، -همان‌گونه که بیان شده- بهترین و کامل‌ترین دلیل آن، دلیل عقلی است و حتی بر مبنای امام خمینی از بدیهیات است؛ ولی در صورتی که دلیل عقلی در این زمینه یافت نشد، طبق الگوی پیشنهادی به آیات رجوع می‌شود. اکنون، در صورتی که آیه‌ای بر نص و صراحت به آن، دلالت داشت، مورد استفاده قرار گرفته و نظر اسلام استنباط می‌گردد. با توجه به تحقیقات انجام شده، مشخص شد، آیه‌ای به صورت نص یافت نشد که بر ولایت فقیه، دلالت مستقیم داشته باشد.

ب) بررسی دلالتی و استظهار: با توجه به اینکه آیه‌ای که مستقیم و نص به ولایت فقیه به صراحت و نصوحیت بر دیدگاه کلامی دلالت کند، وجود نداشت؛ آیات بدون منافی و معارض که بر دیدگاه کلامی دلالت کنند، جستجو شدند؛ که در صورت وجود چنین دلیلی، دیدگاه کلامی اسلام اثبات می‌شود. در راستای اثبات ولایت فقیه، برخی به تعدادی از آیات قرآن استناد کرده‌اند و از عموماً این آیات، ولایت فقیه را استنباط نموده‌اند؛ به عنوان مثال، استدلال به آیه ۴۴ سوره مائده از این دسته است.

مرحله ششم: تعارض ادله

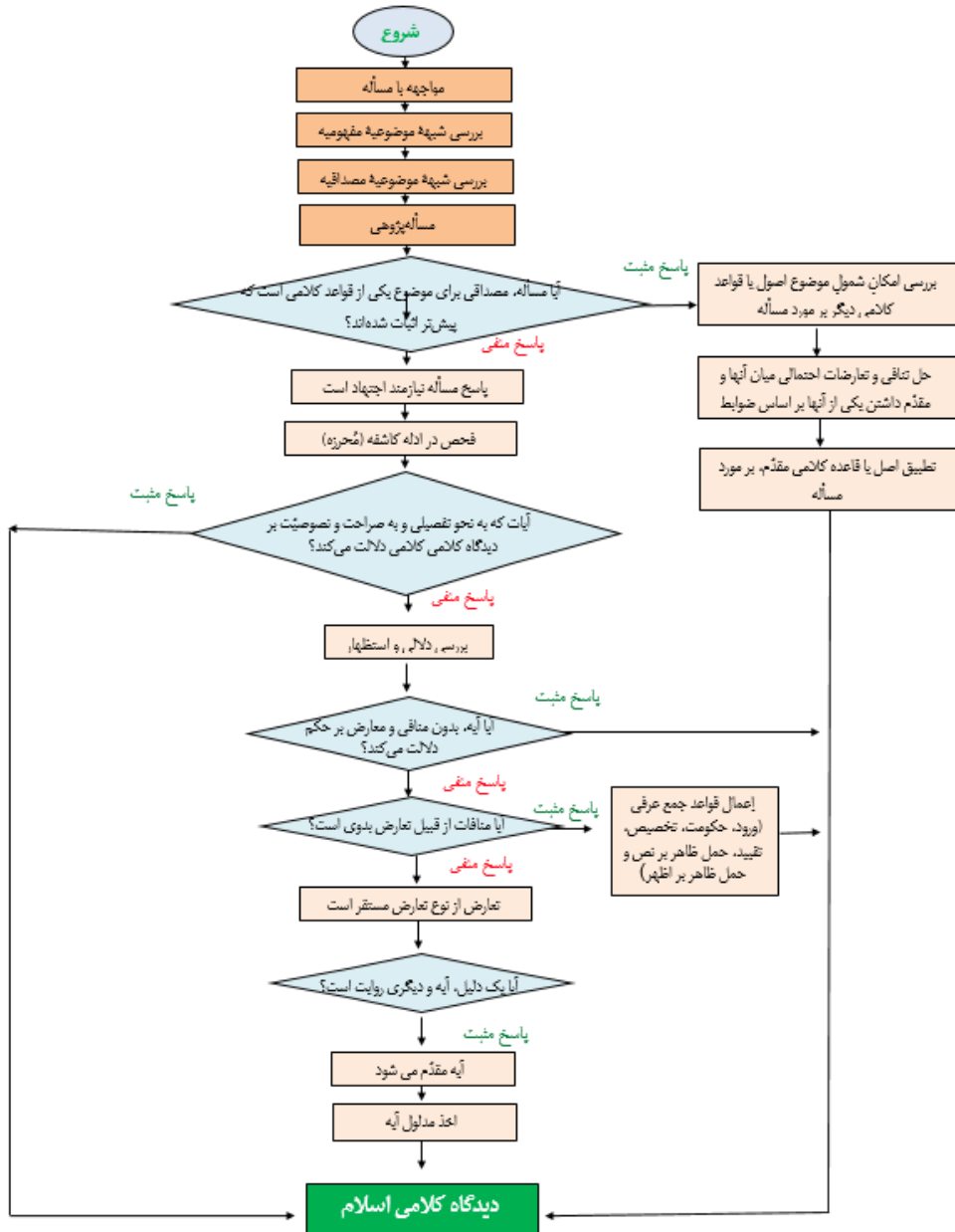
در صورتی که ادله دارای تعارض و معارض باشند و اگر تعارض از قبیل تعارض بدوی باشد، قواعد جمع عرفی مانند ورود، حکومت، تخصیص، تقیید، حمل ظاهر بر نص و حمل ظاهر بر اظهر را اعمال می‌شود و به دیدگاه کلامی اسلام می‌رسیم. در آیه ۳۱ سوره توبه نیز آمده است: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ». این آیه با آیات و روایاتی که ولایت را برای ولی فقیه اثبات کرده‌اند، تعارض دارد؛ چرا که با توجه به این آیه، فقط باید از خداوند اطاعت کرد. در اینجا با قواعد جمع، این تعارض غیرمستقر محسوب می‌شود؛ چرا که این اطلاق در آیات دیگر تقیید خورده و اجازه به کسانی که خداوند سبحان برای آنان چنین حقی را جعل و تشریح کرده باشد، داده شده است. مثل «پیامبر النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب: ۶) و «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵).

براساس این آیات، خداوند ولایت تدبیری و حق اداره و تنظیم اجتماعی را برای پیامبر و امامان معصوم (ع) تشریح کرده است و تنها آنان هستند که می‌توانند حاکمیت سیاسی و زمامداری جامعه را در دست گرفته و در رأس هرم قدرت باشند. در هر صورت معنای اصطلاحی «ولایت» عبارت است از: «تصدی امر و اداره حکومت» (نوروزی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۷). اگر تعارض از نوع تعارض مستقر باشد، اگر یک دلیل، آیه و دیگری روایت باشد، در این صورت آیه مقدم است و با اخذ مدلول آیه به دیدگاه کلامی اسلام می‌رسیم.

۷. نتیجه‌گیری

در این تحقیق پس از بیان کلیات، ابتدا به تعریف کلام سیاسی و مفاهیم مرتبط آن پرداخته شد. سپس بازخوانی و بازسازی روش استنباط اصول فقهی در ساحت کلام سیاسی در قرآن با تأکید بر ایده آیت‌الله خامنه‌ای ارائه گردید. پس از آن روش اجتهاد در علم اصول با بررسی ساختار علم اصول، به خوانش آن در ساحت کلام سیاسی ورود کرد و در آن ساختار کلام سیاسی قرآن محور، مباحث الفاظ بحث‌های زبان‌شناسی و لغت، حجت ظواهر کتاب و تعارض الأدله مطرح و با مثال‌های کلام سیاسی بررسی شدند.

در پایان با طراحی روند نمای کلام سیاسی براساس روش اجتهادی، بحث ولایت فقیه به عنوان نمونه در حوزه کلام سیاسی ارائه شد. استنباط گزاره‌های کلام سیاسی از منبع قرآن به شکل یک فرایند و ترتیب منطقی، مشخص می‌کند، جهت رسیدن نظر و دیدگاه نهایی اسلام در سامانه تفقه جامع در مسائل اعتقادی سیاسی از کجا شروع شده و در کجا پایان می‌یابد. برای فهم بهتر این روش، روند نمای حل مسئله کلام سیاسی قرآن محور با روش اجتهادی ترسیم گردید:



نمودار ۲- روند نمای حل مسئله کلام سیاسی قرآن محور با روش اجتهادی

منابع

قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفایه الأصول*. قم: طبع آل البيت.
- اشتراس، لئو (۱۳۷۳). *فلسفه سیاسی چیست؟* ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ق). *فراند الأصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ نهم، ج ۲.
- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۶). *قلمرو فقه سیاسی از منظر آیت الله خامنه‌ای*. حکومت اسلامی، ۲۳(۸۴).
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۲). *چیستی کلام سیاسی*. قیسات، دوره ۸، شماره ۲۸.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان، چاپ چهارم.
- جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۹۱). *سیر تفکر کلامی معاصر*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *ولایت فقیه، ولایت قضاوت و عدالت*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حسنی، حمیدرضا؛ علی‌پور، مهدی (۱۳۸۹). *مدل‌شناسی تحلیل مکانیزم اجتهاد به‌مثابه مدلی برای تولید علوم انسانی اسلامی*. در: *مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی*.
- حیدری، سید علی نقی (۱۴۱۲ق). *اصول الاستنباط*. قم: شورای مدیریت حوزه علمیه.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. قم: صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۱۴ق). *درر الفوائد فی اجوبه القائله*. بی‌جا: ستاره.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۰ق). *أجوبه الاستفتائات*. بیروت: الدار الإسلامیه، چاپ سوم، ج ۱.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۰۹/۰۴). *بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/10634>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۰۲/۰۶). *سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/45426>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۹/۱۵). *بیانات در دیدار با مردم به مناسبت عید غدیر*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/8485>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۰۴/۲۳). *بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/9769>
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). *انتظارات بشر از دین*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تحت اشراف محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: بی‌نا، چاپ دوم، ج ۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. قم: ذوی القربی.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). *اصول الفقه الاسلامی*. دمشق: بی‌نا، ج ۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱.

- صدر، محمدباقر (۱۳۹۶ق)، *تعارض ادله الشرعیه المکتبه الاسلامیه الکبری*. مصحح محمود هاشمی شاهرودی. نجف: بی‌نا.
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۸ق). *مباحث الأصول*. قم: مطبعه مرکز النشر - مکتب الإعلام الإسلامی، ج ۳.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۵ق). *دروس فی علم الأصول*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۱.
- طباطبایی حکیم، محمدسعید (۱۴۱۴ق). *المحکم فی أصول الفقه*. قم: المنار، ج ۴.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۴.
- عاملی، زین الدین (۱۴۰۸ق). *الرعايه فی علم الدرایه*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- عبودیت، عبدالرسول (۱۳۸۹). *درآمدی بر فلسفه اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ هفتم.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ بصری، صفاءالدین (۱۴۱۲ق). *الاعتماد فی شرح واجب الاعتماد*. مشهد: آستانه الرضویه المقدسه؛ مجمع البحوث الإسلامیه.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴). *روش و بینش در سیاست*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مجددی، محمدعمیم (۱۴۰۷ق). *قواعد الفقه*. کراچی: بی‌نا.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بی‌نا، چاپ دوم، ج ۵.
- مشکینی، علی (۱۴۱۶ق). *اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها*. قم: نشر الهادی، چاپ ششم.
- مظفر، محمدحسن (بی‌نا). *دلایل الصدق*. تهران: مکتبه الذجاج، ج ۲.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵). *أصول الفقه*. قم: اسماعیلیان؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ پنجم، ج ۲-۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دهم، ج ۲، ۴، ۱۳.
- ملک‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۴). *برنامه درسی برای دستیابی به مرتبه نخست اجتهاد*. قم: اعتدال اسلامی، چاپ پنجم.
- مهاجرنیا، محسن (۱۴۰۰). *درآمدی بر کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نقی پورفر، ولی‌الله (۱۳۸۲). *مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۵). *نظام سیاسی اسلام*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷). *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*. تهران: نشر نی، چاپ ششم، ج ۱.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۶ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم: مرکز پژوهش‌های فارسی الغدیر، ج ۱.